



The effect of gender on the story-writing style of the novels *My Bird, From Satan Learnt and Burnt, Your Redness from Me, and Bibi Shahrazad* based on Sara Mills's Theory

Fatemeh Ranjbar¹ / **Hassan Akbari Beyragh^{*}**

1: PhD in Persian language and literature, Semnan University, Semnan, Iran.

2: Associate Professor of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran
(Corresponding Author) hakbari@semnan.ac.ir

Abstract: Feminist stylistics is a new approach that focuses on novels published by women and on the production, reproduction and transformations of style, gender identities and power relations between women and men. The current research has selected four novels from the 1980s; the titles *My Bird (Parande Man)* (2008), *From Satan Learnt and Burnt (Az Sheitān Āmūkht va Sūzānd)* (2008), *Sorkhi to az Man (Your Redness from Me)* (2008) by *Bibi Shahrazad* (2009). Using the descriptive-analytical method and based on Sara Mills' feminist stylistic model, the study examines these texts at three levels; lexical, sentence and discourse. The results of the research show that at word level in all the investigated novels, feminine interpretations and words related to the position of women such as pregnancy, love, virginity, childbirth, nausea, rape, abortion, cosmetics, etc. have been widely used. These words show the female identity of the authors of the stories from the individual-gender, ideological, class dimension and women's attention to the home environment and society. At the level of sentences (syntax), short, simple, detailed statements, the emotional dimensions of the text and the omission of the verb in sentences as well as interrupted sentences were consecutively examined in all the four novels. At this level, the use of short, repetitive and descriptive detailed statements without literary and rhetorical complications have a high frequency in all four works. At the discourse level, all the works, while dealing with gender stereotypes in the society, try to challenge the male culture and the long history of patriarchy. Thematically, all the four novels revolve around women's lives and are related to the issues, problems and oppressions that women face in society and family. The main characters of all the novels are women. Men are on the sidelines and are not allowed to speak much. The relationship between men and women is disjointed, chaotic and suffering from serious crises. Therefore, it can be said that the novels discussed in this research have all followed the model proposed by Sara Mills, and the characteristics and features of women's writing can often be found in these texts. As a result, it seems that, although a literary work is a product of an artist's mentality, language and world, the structural differences of gender are effective in creating linguistic, mental, stylistic and thought differences.

Keywords: feminist stylistics, gender, novel, female writers of the 2001 to 2011.

- F. Ranjbar; H. Akbari Beyragh (2024). "The effect of gender on the story-writing style of the novels *My Bird, From Satan Learnt and Burnt, Your Redness from Me, and Bibi Shahrazad* based on Sara Mills's Theory". *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 15(37), 147-182.

[Doi:10.22075/JLRS.2024.31686.2339](https://doi.org/10.22075/JLRS.2024.31686.2339)



سال پانزدهم - شماره ۳۷ - پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۱۴۷ - ۱۸۲ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ - بازننگری ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ - پذیرش ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرندۀ من، از شیطان آموخت و سوزاند، سرخی تو از من و بی‌بی شهرزاد با اتکا بر نظریه سارا میلز

فاطمه رنجبر^۱ / حسن اکبری بیرق^۲

۱: دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲: دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

hakbari@semnan.ac.ir

چکیده: سبک‌شناسی فمینیستی رویکرد جدیدی است که بر رمان‌های منتشرشده زنان و بر تولید، بازتولید و دگرگونی‌های سبکی، هویت‌های جنسیتی و روابط قدرت میان زنان و مردان تمرکز می‌کند. بر این اساس پژوهش حاضر با گزینش چهار رمان از رمان‌های دهه هشتاد شمسی با عنوان‌های پرندۀ من (۱۳۸۱)، از شیطان آموخت و سوزاند (۱۳۸۶)، سرخی تو از من (۱۳۸۵) و بی‌بی شهرزاد (۱۳۸۳) تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه الگوی سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز این متون را در سه سطح واژگانی، جملاتی و گفتمانی مورد بررسی قرار دهد. توجه به الگوی سبک‌شناسی سارا میلز که آثار زنان را در سه سطح واژگان، نحو و گفتمان بررسی می‌کند، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در سطح واژگان در همه رمان‌های مورد بررسی از تعبیر زنانه و واژه‌های مرتبط با موقعیت زنانه مانند حاملگی، یار، باکره بودن، زایمان، تهوع، تجاوز، سقط‌جنین، لوازم آرایش و... به صورت گسترده استفاده شده است. این واژگان هویت زنانه نویسندگان داستان‌ها را از بعد فردی جنسیتی، ایدئولوژیکی، طبقه و توجه زنان به محیط خانه و جامعه را نشان می‌دهند. در سطح جملاتی (نحو) به ترتیب جمله‌های کوتاه، ساده، خبری با جزئیات فراوان، ابعاد عاطفی متن و حذف فعل در جمله‌ها و جمله‌های منقطع در هر چهار رمان بررسی شد، در این سطح استفاده از جمله‌های خبری کوتاه، تکراری و توصیفی بدون پیچیدگی‌های ادبی و بلاغی همراه با جزئی‌نگری دارای بسامد بالایی در هر چهار اثر است. در سطح گفتمان تمام آثار مذکور ضمن برخورد با کلیشه‌های جنسیتی در جامعه، سعی در به چالش کشیدن فرهنگ مردانه و تاریخ طولانی مردسالاری دارند. به لحاظ موضوعی هر چهار رمان حول محور زندگی زنان و مرتبط با مسائل، مشکلات و ستم‌هایی است که در جامعه و خانواده به زنان می‌شود. شخصیت‌های اصلی تمام رمان‌ها زن هستند. مردان در حاشیه‌اند و چندان اجازه سخن گفتن ندارند. روابط زنان و مردان از هم گسیخته، آشفته و دچار بحران‌های جدی است؛ بنابراین می‌توان گفت رمان‌های مورد بحث در این پژوهش همگی از الگوی مطرح سارا میلز تبعیت کرده‌اند و اغلب مشخصه‌ها و ویژگی‌های زنانه‌نویسی در این متون یافت می‌شوند. نتیجتاً به نظر می‌رسد اگرچه اثر ادبی محصول ذهنیت، زبان و جهان هنرمند است، تفاوت‌های برساختی جنسیت در ایجاد تفاوت‌های زبانی، ذهنی، سبکی و اندیشگی تأثیرگذار است.

کلیدواژه: سبک‌شناسی فمینیستی، جنسیت، رمان، نویسندگان زن دهه هشتاد شمسی.

- رنجبر، فاطمه؛ اکبری بیرق، حسن (۱۴۰۳). بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرندۀ من، از شیطان آموخت و سوزاند، سرخی تو از من و بی‌بی شهرزاد با اتکا بر نظریه سارا میلز. دانشگاه سمنان: مجله مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۵ (۳۷). ۱۴۷-۱۸۲.

Doi: [10.22075/JLRS.2024.31686.2339](https://doi.org/10.22075/JLRS.2024.31686.2339)

۱. مقدمه

رابطه میان زبان مکتوب و «مرد» در فرهنگ تمدنی قدیم ریشه دارد، نوشتار و کتابت از ویژگی‌های مردانگی و از کارویژه‌های مخصوص وی قلمداد می‌شده است؛ بر این اساس زبان از منظر تاریخ و واقعیت نهاد مردانه‌ای بوده و این به معنای جلوگیری از ورود زنان به این نهاد ویژه مردان بوده است، مسئله‌ای که زن را در جریان‌های اجتماعی فرهنگی و ساختن و تولید زبان به جایگاه حاشیه‌ای رانده است. بدون شک می‌توان گفت این جریان حاشیه‌ای شدن بر پایه قانونی تاریخی رخ داده که در آن زن را از نوشتن بازمی‌داشتند؛ اما به تدریج و هم‌زمان با اقدامات فمینیستی که در آن به زنان و حقوق ازدست‌رفته آنان توجه شد، زنان وارد عرصه‌های مختلف جامعه شدند و در زمینه‌های فرهنگی و ادبی نیز پیشرفت‌های چشمگیری کردند؛ به طوری که در دهه‌های اخیر به نوشتن در زمینه‌های مختلف روی آوردند و آثار ماندگاری نیز از خود به جای گذاشتند؛ به همین علت امروزه بحث درباره ادبیات و سبک زنانه و تأثیر جنسیت بر سبک اثر، یکی از موضوعات ارزشمند و قابل توجه در میان ادبا محسوب می‌شود. اغلب با مطالعه دقیق آثار زنان این نتیجه حاصل می‌شود که در نوشتار زنان ویژگی‌هایی وجود دارد که سبک و زبان آن‌ها را با سبک و گفتار مردان متفاوت جلوه می‌دهد. تفاوت موجود در سطح نوشتاری و گفتاری میان زنان و مردان موجب ایجاد ادبیات جدیدی به نام ادبیات زنانه شده است. در این راستا پژوهشگران تلاش‌هایی را برای بیان ویژگی‌های سبک زنانه و تأثیر جنسیت بر اثر ادبی بر شمرده‌اند. مسئله تفاوت‌های جنسیتی همواره رابطه‌ای ویژه با رمان داشته است. رمان یگانه گونه ادبی است که شمار بزرگی از زنان در آن سهم بوده‌اند و مشارکتشان در این عرصه کمابیش با مردان برابر است. به زعم میلز^۱ (زاده ۱۹۴۱ م.) نویسندگان زن کمابیش از زمان آغاز نوشتن، گونه ادبی رمان را بر ژانرهای دیگر ادبی برتر شمرده‌اند و زنان با توسل به این فرم ادبی و با ارائه سبک خاص خود در سال‌های اخیر جنبه‌هایی از زندگی‌شان را با آن پژوهیده و

منتشر کرده‌اند؛ جنبه‌هایی که پیش از این در پهنه هنر و جامعه به آن توجهی نمی‌شده است (مایلز، ۱۳۸۰: ۳۸۰). بر این اساس در این پژوهش چهار نمونه از رمان‌های زنان نویسنده دهه هشتاد برگزیده شد تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به الگوی سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز و عقاید صاحب‌نظران این دانش، رمان‌های پرنده من (۱۳۸۱) از فریبا وفی، از شیطان آموخت و سوزاند (۱۳۸۶) از فرخنده آقایی، سرخی تو از من (۱۳۸۵) از سپیده شاملو، بی‌بی شهرزاد (۱۳۸۳) از شیوا ارسطویی را در سه سطح واژگان، جملات و گفتمان بررسی شود. این جستار در تلاش است تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مؤلفه‌های زنانه نگاری مؤثر در سبک نگارش این رمان‌ها کدام‌اند؟ مفروض پژوهش حاضر آن است که رمان‌های مذکور شواهدی عینی برای شناخت سبک زنانه و تأثیر جنسیت بر سبک داستانی و همچنین روابط جنسیتی جامعه و تحولات جاری آن ارائه می‌دهند.

پیشینه پژوهش

وحید ولی‌زاده در مقاله خود با عنوان «جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی» به کاربردهای زبانی زنان در آثارشان اشاره کرده است. این مقاله می‌کوشد از خلال ردیابی نظام‌های بازنمایی جنسیت در آثار برخی از نویسندگان زن ایرانی به این پرسش پاسخ دهد که هویت جنسیتی زنانه در آثار زنان رمان‌نویس ایرانی چگونه ساخته می‌شود.

پژوهشی که بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی انجام شده، مقاله‌ای است با عنوان «روند تکوین سبک زنانه در آثار داستانی زویا پیرزاد-تحلیل بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی» نگاشته ناصر نیکوبخت و همکاران. نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند دو نمونه از آثار داستانی زویا پیرزاد را بر پایه داده‌های پژوهشی سارا میلز تحلیل کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در آثار داستانی زویا پیرزاد، نشانه‌ها و رمزگان بسیاری در ساختار روایت، انتخاب واژگان، انتخاب شخصیت‌ها، مکان‌ها و صحنه‌های داستانی مشاهده می‌شود که انگیزه‌های نویسنده را از انتخاب و توصیف این شیوه از روایت در ساختار

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده من، از شیطان آموخت و... - ۱۵۱
داستان‌هایش نمایان می‌کند. فضا و صحنه زندگی شخصیت‌های داستانی زویا پیرزاد در
مجموع آثار داستانی‌اش از خانه تا عرصه فعالیت‌های اجتماعی دگرگون شده است و
متناسب با این تحول، شخصیت‌های داستانی نیز از انفعال خارج شده و به عنصر فعال و
کنشگر در موقعیت‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند.

زهره عظیمی و اسماعیل صادقی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های اصلی
مشترک ترسیم‌شده از شخصیت زنان سنتی و مدرن در آثار زویا پیرزاد و فرخنده آقایی»
(۱۴۰۰)، به بررسی ویژگی‌های زنانگی سنتی می‌پردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد
زنان مدرن در آثار پیرزاد و آقایی بیشتر وقت خود را صرف فعالیت‌های اقتصادی در
بیرون از خانه می‌کنند و به همین دلیل از استقلال مادی و وجهه اجتماعی بالاتری نسبت به
زنان سنتی برخوردار هستند.

جاور و علیزاده در مقاله‌ای به بررسی مسأله هویت در رمان «از شیطان آموخت و
سوزاند» پرداختند و به این نتیجه رسیدند که براساس نظریه نورمن فرکلاف^۱ (زاده ۱۹۴۱
م.) بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی در این رمان هویت میان رویکرد گفتمانی با هویت
برساخته سرگردان است.

مقاله «روایت زمان در رمان از شیطان آموخت و سوزاند» از فاضلی و تقی‌نژاد، به
این نتیجه منجر شده است که برجسته‌سازی زمان در باورپذیری زندگی سخت شخصیت
اصلی داستان، در ذهن مخاطب نقش مهمی دارد.

روح‌الله خدیوپور و ساره زیرک در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روان‌کاوانه شخصیت
اصلی زن در رمان از شیطان آموخت و سوزاند براساس آرای آلفرد آدلر» (۱۴۰۲)، به
تحلیل شخصیت زنی به نام ولگا، در رمان از شیطان آموخت و سوزاند نوشته فرخنده
آقایی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که عدم سلامت روانی مادر ولگا و رفتار
خشونت‌آمیزش با او، سبب شد ولگا به نقص شخصیتی ناشی از غفلت و در نتیجه به

عقدۀ حقارت مبتلا گردد که متعاقباً بروز عقدۀ برتری طلبی و عدم رشد علاقۀ اجتماعی را در پی داشته است.

نیلوفر بنی طرف و شبنم حاتم‌پور در پژوهشی با عنوان «بازنمایی جلوه‌های زنانه در سه رمان از نویسندگان زن ایرانی» (۱۳۹۸) به بررسی جلوه‌های زنانه در رمان‌های چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، اثر زویا پیرزاد، از شیطان آموخت و سوزاند، اثر فرخنده آقایی و پرنده من، اثر فریبا وفی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بازتاب شخصیت زن در رمان‌های برگزیده، نمودی از محدودیت‌های جنسیتی در جامعه است. این سه رمان برگزیده تعارضات فرهنگی دو جنس مخالف را در جامعه نشان می‌دهند و هم‌چنین گواه آن هستند که زنان نویسنده تمایلی به بیان مسائل جنسی در رمان‌های خود ندارند.

مهری تلخابی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رمان پرنده من اثر فریبا وفی از منظر سبک‌شناسی انتقادی» (۱۳۹۴) بر پایه اصول سبک‌شناسی انتقادی رمان مذکور را مورد مطالعه قرار داده است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رمان پرنده من، با پرداخت به مسائل زنان، تنگناهای زیستی زنان را در ابعاد مختلف به نمایش می‌گذارد و راه‌کارهایی برای فرار از تسلط نظام مرد سالار را پیشنهاد می‌کند.

علیرضا اسدی و همکاران بررسی کاربرد نظریۀ استعارۀ مفهومی در تعیین سبک نوشتار زنانه؛ مطالعه موردی چهار رمان «سووشون»، «پرنده من»، «دالان بهشت» و «ای کاش گل سرخ نبود» (۱۳۹۷)، به بررسی انواع استعاره‌های مفهومی در چهار رمان مذکور پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد فهم نویسندگان زن به لحاظ جنسیتی متفاوت است و این تفاوت به‌طور کلی موجب تمایز در سبک فکری زنانه می‌شود.

حسین خسروی و مژگان کیوانی در مقاله‌ای با عنوان «زن در آیینۀ رمان مقایسه‌ نقش زنان در سه رمان فارسی چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم نوشته زویا پیرزاد؛ نگران نباش از مهسا محب‌علی و بی‌بی شهرزاد اثر شیوا ارسطویی» (۱۳۹۶)، به جایگاه زنان در دوره

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۵۳
معاصر از نگاه خود زنان پی‌برد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در میان این سه بانوی نویسنده، زویا پیرزاد موقعیت زن را در دههٔ چهل شمسی به تصویر کشید و نشان داد که این دهه آغاز دست‌یابی زن ایرانی به هویت و فردیت است. شیوا ارسطویی در رمان بی‌بی شهرزاد، موضوع مردسالاری را در تاریخ معاصر ایران مورد توجه قرار داد و با استفاده از شیوهٔ گذشته‌نگری و نمادپردازی، این امر را به کل تاریخ جامعهٔ ایرانی مربوط دانسته است. مهسا محب‌علی نیز در رمان "نگران نباش"، برخی از معضلات اجتماعی را که زن در دورهٔ معاصر به آن‌ها گرفتار شده است، نشان می‌دهد.

سیدعلی قاسم‌زاده، فاطمه علی‌اکبری در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من» (۱۳۹۵) به استفاده از نقد فمینیستی و کاربرد فرهنگ و ایدئولوژی خاص زنانه در این اثر نظر دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این رمان مدرنیستی به شیوه ساختارشکنانه در پی ایجاد تردید در تقابل دو گانه مرد و زن است. از این جهت شخصیت‌های زن داستان موقعیت و هویت زنانه خویش را محصول روابط اجتماعی تحمیلی مردسالار می‌دانند که مردان و اقتدار زبان مردانه‌ای را برایشان آفریده است. زبان نوشتاری متن به سبب انعکاس باورها، جهان‌بینی و عواطف زنانه، برجسته کردن اندام جنسی، توجه به حس بیزاری و هراس در زنان، هرزه‌نگاری، اعتراض به نگاه خیره مردانه، برگزیدن جمله‌های کوتاه و... تلاشی برای رسیدن به سبک نوشتاری زنانه به شمار می‌آید.

نرگس اسکویی در مقاله‌ای با عنوان «نقد و تحلیل اختلال تجزیه هویت بر مبنای رمان سرخی تو از من نوشته سپیده شاملو» (۱۳۹۳) به بررسی رمان سرخی تو از من، با تکیه بر این بیماری تجزیه هویت پرداخته است. مقاله حاضر، علاوه بر معرفی مختصر این بیماری، با روش نقد روا‌شناختی، به ارزیابی چگونگی توصیف این بیماری در رمان، نحوه شخصیت‌پردازی و روایتگری و همچنین کنکاش در شیوه‌های داستان‌پردازی و روانکاوی که در لایه‌های مختلف داستان از آن استفاده شده، پرداخته است.

تفاوت پژوهش حاضر با تحقیق‌های انجام شده در این است که جستار پیش‌رو تلاش کرده است تا آثار متعددی از نویسندگان زن را به‌عنوان نمونه‌های موردی در راستای تحلیل‌های سبک‌شناختی فمینیستی مورد بررسی قرار دهد، براساس مدعای این پژوهش رمان‌های منتشرشده توسط زنان بر تولید، بازتولید و دگرگونی هویت جنسیتی و روابط قدرت میان زن و مرد تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین پژوهش حاضر این آثار را با توجه به متغیرهای سبکی در راستای جنسیت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

چارچوب نظری

برساخت جنسیت و تفاوت

عموم فمینیست‌های برساخت‌گرا معتقدند، اگرچه «جنس»^۱ فرد با توجه به مشخصات تن معین می‌شود، اصلی‌ترین مفاهیم «جنسیت»^۲ تکوینی (قابلیت‌هایی که زنانه و مردانه بودن را شکل می‌دهند)، عمدتاً برساخته‌هایی^۳ فرهنگی هستند که در نتیجه تعصبات مردسالارانه تمدن‌ها ایجاد شده‌اند. سیمون دو بووار^۴ (۱۹۸۶-۱۹۰۸ م.) در کتاب جنس دوم یادآوری می‌کند که شخص «زن» متولد نمی‌شود بلکه تبدیل به زن می‌شود. پژوهشگران جنسیت این موضوع را درباره مردان نیز صادق می‌دانند. براساس نظریه‌های برساخت‌گرایی اجتماعی جنسیت^۵ انسان‌ها به خاطر جنسیتی شدن تن و روان‌هایشان در روند رشد اجتماعی، احتمالاً درک متفاوتی از جهان خواهند داشت؛ بنابراین آن را به‌طور متفاوتی نیز بیان می‌کنند. به‌زعم آلن مورس^۶ (۱۹۷۹-۱۹۲۸ م.) شرایط اجتماعی، حقوق قانونی، سیاسی، اقتصادی و موقعیت‌های گوناگون زنان و مردان که در پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه جنسیتی شده‌اند، هم در شکل‌بندی انسانیتشان و هم در نوشتارشان

1. sex
2. Gender
3. Constructs
4. Simone de Beauvoir
5. Social Construction of Gender
6. Ellen Mores

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۵۵

اهمیت بسیار می‌یابد (Mores, 1985: XI)؛ زیرا آنان به‌عنوان زنانه یا مردانه «جنسیت» یافته‌اند و این مهم در سبک ادبی و آنچه برای نوشتن برمی‌گزینند همواره دیده می‌شود؛ بنابراین با توجه به این متغیرها، بدیهی است که جنسیت نویسنده در طریقه نوشتار به‌ویژه نوشتار ادبی تأثیرگذار خواهد بود. بر این اساس همواره رتبه‌بندی رایج آثار ادبی و همچنین نقادی آن‌ها اگرچه نا آشکارا، کاملاً متعصب به جنسیت بوده است. در بحث از زبان و جنسیت که پژوهشگران زبان‌شناسی اجتماعی آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، دو مسئله اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد، یکی تفاوت‌های زبان زن و مرد و دیگری پایدارسازی سلطه جامعه مردسالار بر زنان با ابزار زبان. همچنین باید به این نکته توجه کرد که زبان در ذات خود قائل به جنسیت نیست؛ بلکه نگرش کاربران زبان چنین است. در واقع جنسیت در زبان، مربوط به مرحله اجتماعی شدگی آن است.

سبک‌شناسی فمینیستی

سبک‌شناسی فمینیستی از جمله رویکردهای نظری است که دو بانوی سبک‌شناس، سارا میلز^۱ و دیردر برتن^۲ آن را معرفی کردند. سارا میلز در کتاب سبک‌شناسی فمینیستی^۳ (۱۹۹۵) اصطلاح «سبک‌شناسی فمینیستی» را فشرده‌ترین تعبیر برای بررسی و تحلیل موضوع فمینیسم و جنسیت در متن با استفاده از روش‌های زبان‌شناسی و تجزیه و تحلیل زبانی دانسته است. طبق نظر میلز، دغدغه سبک‌شناسی فمینیستی تنها به مسائلی مانند توصیف تبعیض‌های جنسی، کلیشه‌های سنتی برای نقش‌های جنسیتی، بحث از کاهش ارزش فرد بر مبنای جنسیتش، تبعیض علیه زنان و فروداشت آنان در متون محدود نمی‌شود؛ بلکه این موضوعات تا آنجا گسترش یافته که عناصر و ساختارهای ادبی مثل استعاره، تصویر، فرایندهای فعلی، واژگان، نحو و گفتمان‌های مرتبط با مسئله جنسیت نیز در آن بررسی می‌شوند. سبک‌شناسی فمینیستی تلاش می‌کند تا روشی برای توصیف و تبیین سرشت نوشتار

-
1. Sara Mills
 2. Deirdre Burton
 3. Feminist stylistics, London: Routledge

زنان و عمل نگارش زنانه بیابد. در تحلیل‌های سارا میلز، دیردر برتن و برادفورد بهروشنی آشکار است که نمی‌توان تبعیض جنسی و مسائل جنسیت‌گرا را از سبک‌شناسی فمینیستی جدا کرد؛ از این رو توصیف و تحلیل جلوه‌های ایدئولوژی مردسالار در زبان زنان، یکی از مسائل عمده سبک‌شناسی فمینیستی است (فتوحی، ۱۳۹۸: ۱۸۵-۱۸۶). همچنین میلز در کتاب سبک‌شناسی فمینیستی می‌نویسد: «هدف سبک‌شناسی فمینیستی فراهم کردن ابزاری تحلیلی و سنجش‌گرانه برای خواننده در جهت تشخیص گرایش‌های جنسیتی در متن‌ها و ایستادگی در برابر آن‌هاست. چنین کاری همواره آسان نیست؛ زیرا گرایش‌هایی از این دست اغلب در هیئت عرف عام ظاهر می‌شوند» (وردانک، ۱۳۸۹: ۱۷۰). از نکات مورد توجه در سبک‌شناسی فمینیستی شناخت موضوعاتی است که مشخصاً در ادبیات تألیفی زنان دیده می‌شود؛ مثلاً دنیای خانه و خانواده، تجربیات تنانه همچون بارداری، زایمان، تربیت فرزندان، رابطه زنان با دختران و روابط زنان با یکدیگر و رابطه زنان با مردان (نک: ایرمز: ۱۴۴). به‌طور واضح‌تر زنانه‌نویسی یعنی جنسیتی کردن ادبیات براساس تجربه و نگاه زن. این سبک، مصرانه می‌کوشد شکل، صدا و محتوایی زنانه و متفاوت با صدای مردانه بیافریند. زنانه‌نویسی یعنی نوشتن از مسائل، مشکلات، حالات و روحيات خاص زنان به منظور شناساندن شعور و حساسیت‌های جنس زن. بر همین اساس عبدالله غدامی در کتاب *زن و زبان* بیان می‌کند: «ما آنگاه که میدان نوشتار را در برابر زن بگشاییم تا به آوای زنانه سخن بگویید در واقع آوایی جدید به زبان افزوده‌ایم که با آوای نخستین تفاوت دارد و بدین ترتیب پنجره‌ای را برای دیدن گشوده‌ایم که برای مدت‌های طولانی در همه فرهنگ‌ها بسته بوده است» (۱۳۹۵: ۹). در این راستا، سارا میلز با اشاره به آثار زبان‌شناسان و محققان حوزه جامعه‌شناسی زبان که به تأثیر جنسیت بر نوشتار تأکید کرده‌اند و ضمن توجه به آراء فمینیست‌ها، بر تحلیل زبانی آثار زنان به‌عنوان گونه کاربردی متمایز تأکید کرده و روش تحلیل زبانی آثار داستانی زنان را نیز تشریح

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۵۷ کرده است (Mills: 1995). او معتقد است نویسندگان زن گزینه‌های متفاوت‌تری را در ساختار و محتوای آثارشان در راستای ویژگی‌های زنانه، عواطف، احساسات و دیدگاه‌های مؤنث محور به کار می‌برند؛ بر همین اساس میلز تأکید می‌کند این متون باید در سه سطح واژگان، جملات و گفتمان بررسی شوند (Ibid: 106). میلز در کتاب سبک‌شناسی فمینیستی در سه فصل و در هر فصل به صورت مبسوط به تحلیل و تشریح هر سه عنصر سبک‌شناختی زنانه می‌پردازد که به صورت خلاصه در ذیل می‌آید:

۱ - تحلیل در سطح واژگانی: در بررسی لایه واژگانی میلز به مسئله سوگیرهای جنسیتی در سطح تجزیه و تحلیل تک‌تک کلمات و واژه‌های فردی می‌پردازد. در بخش واژگان، تفاوت بین زبان شخصیت‌های زن و مرد، به وضوح دیده می‌شود. بسیاری از واژه‌ها مرتبط به حوزه زنان است و زنان بیشتر از مردان از این واژه‌ها استفاده می‌کنند؛ برای مثال برخی صفات، قیدها، دشنام‌های زنانه، ضمائر خاص. واژه‌هایی که به زیورآلات زنانه مربوط‌اند، واژه‌های مربوط به خانه‌داری و لوازم منزل همچون ظرف و ظروف، لباس‌های مخصوص زنانه یا واژه‌هایی که با فیزیولوژی جسمی زنان مرتبط است. هم‌نشینی این واژه‌ها در متن باشخصیت زنان، نوشته را به سوی سبک زنانه سوق می‌دهد (Ibid: 62).

۲ - تحلیل در سطح نحوی: طبق نظر میلز در سطح جمله (نحو) برخی کاربردهای نحوی پربسامد در زبان زنان همچون جمله‌های ساده، هم‌پایه، وجه عاطفی، ساخت‌های دستوری خاص بررسی می‌شوند (Ibid: 98). به نظر می‌رسد در ساختار جمله‌های زنان و مردان تفاوت بسیار زیادی دیده نمی‌شود و نوع جمله‌ها در اساس تفاوتی ندارند بلکه تفاوت در میزان کاربرد آن‌هاست. برخی کاربردهای نحوی پربسامد در گفتار و نوشتار زنان عبارت‌اند از جمله‌های ساده، کوتاه، تکراری، هم‌پایه، عاطفی، حذف و قطع جمله‌ها (فتوحی، ۱۳۹۸: ۴۰۶ به نقا از میلز: ۱۹۹۵). غالباً زنان در نوشته‌های خود هنگام توصیف و شرح رویدادها با آوردن جزئیات، مسئله را عاطفی، موجه و خوشایند نشان می‌دهند و کوشش می‌کنند با تکرار یک مطلب یا بیان ریزه‌کاری‌های آن، خواننده را

قانع کنند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف، از جملات کوتاه و توصیفی پی‌درپی استفاده می‌کنند. لیکاف در کتاب *زبان و جایگاه زن*^۱ (۲۰۰۴) بیان می‌کند با توجه به اینکه زنان می‌آموزند ملایم، لطیف و آرام حرف بزنند، مسلماً این مسئله در سبک نگارش آنان نیز تأثیرگذار است؛ بنابراین زبان زنانه بیشتر رمانتیک، خبری و احساسی است و سبک روایت زنان اغلب متمایل به توصیف و بازگویی است. بررسی نوشته‌های زنان نشان می‌دهد زنان چندان به نوشتن نثرهایی با سبک جمله‌های پیچیده، بلند و تودرتو علاقه‌مند نیستند.

۳- تحلیل در سطح گفتمان: در لایه گفتمانی ویژگی‌های برون‌متنی با عناصر مهم متن بررسی می‌شوند. در این سطح حضور نویسنده و تأثیر نگره او بسیار مهم است و باید زبان را به صورت زبانی کنش‌مند و ایدئولوژیک تحلیل کرد (Ibid: 123). میلز معتقد است برای هر متن ممکن است یک تحلیل کامل از بازنمایی‌های مربوط به روابط جنسیتی صورت پذیرد که آن را به صورت خلاصه با طرح پرسش‌هایی ارائه داده است. به زعم میلز در سطح تحلیل متن به مثابه گفتمان باید به انگیزه نویسنده توجه شود و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که آیا متن حاوی اطلاعاتی است که می‌تواند به صورت کلیشه‌ای زنانه یا مردانه کدگذاری شود؟ آیا هریک از اصطلاحات مورد استفاده برای توصیف مردان یا زنان دارای مضامین جنسیتی هستند؟ شخصیت‌های زنانه و مردانه چگونه نشان داده می‌شود؟ چه نوع روابطی بین آن‌ها نشان داده شده است؟ متن متمرکز بر چه کسی است؟ رابطه مردان و زنان در متن چگونه است؟ چه کسانی در متن دارای کنش هستند؟ متن بر منافع چه کسی تأکید دارد؟ به بیان میلز با کار کردن از طریق این پرسش‌ها می‌توان راه‌های متفاوتی که جنبه‌هایی از گفتمان جنسیتی را رمزگذاری می‌کنند ردیابی کرد. رویکرد این فهرست، ارائه شاخصی کلی نیست، بلکه به این معنا است که خوانندگان را قادر سازد تا از طریق طیف وسیعی از عوامل که ممکن است

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرندۀ من، از شیطان آموخت و... - ۱۵۹
به برخی از فرضیه‌های ضمنی و یا پنهان در مورد جنسیت اشاره داشته دست یابند
(Mills, 1995: 158-161).

بحث و بررسی

پرندۀ من: فریبا و فی

تحلیل در سطح واژه‌ها

موقعیت‌های زنانه و فیزیولوژی تنانه: در این داستان به کرات واژه‌هایی همچون جنین، زایمان طبیعی، سزارین، شکم، بچه، ویار، یائسگی، باکره، بکارت، حاملگی، سینه، شیر دادن، ترس، گریه، زاری، کهنه عوض کردن، آرایش کردن در بخش‌های مختلف داستان دیده می‌شود:

«زیر ابروهایش را جووری برمی‌دارد که رنگ آن روشن‌تر از بقیۀ صورتش می‌شود (وفی: ۸۹)، به آسانی از دست دادن بکارت (همان: ۱۶)، بچه دارد شیر می‌خورد (همان: ۷۷)، بچه‌دوم را حامله می‌شوی (همان: ۷۷)، سزارین بهتر است یا زایمان طبیعی (همان: ۷۶)، به یائسگی‌اش خیلی مانده (همان: ۷۲)، از قلمبگی‌اش (شکم) پیداست که پسر است (همان: ۷۶)، چرا این شکم تو نمی‌رود (همان: ۳۹)، شوهرت گذاشته رفته» (همان: ۷۹)!

همچنین موقعیت‌های زنانه‌ای همچون مادر بودن، شوهر داشتن، هوو داشتنو ... نیز دارای بسامد بالایی است؛ برای مثال کلمۀ «مامان» بیش از ۹۲ بار و کلمۀ «بچه» بیش از ۶۴ بار در این اثر نسبتاً کوتاه تکرار شده است.

واژه‌های مربوط به خانه، خانه‌داری و آشپزی: در این اثر کلمۀ خانه و کلمات مرتبط با آن مانند آشپزخانه، آشپزی و ظرف و ظروف دارای بسامد بالایی است؛ به‌طوری‌که کلمۀ خانه و آشپزخانه بیش از ۷۹ بار و کلمات مرتبط با آشپزی، غذا، انواع خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها بیش از ۶۵ بار تکرار شده‌اند:

۱. همچنین نک: ۱۲، ۱۶، ۷۱، ۷۶، ۷۲، ۲۳، ۲۸، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۴، ۶۵، ۶۱، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۷...
۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۷...

«آش می پزم، آش، ... کتلت و ماکارانی درست می کنم (همان: ۱۰۱)، چای دم کرده و آماده با بشقاب تخمه و پسته (همان: ۱۷)، شیر سرسرفت (همان: ۶۴)، نباید کشک قاطی آش می کردی» (همان: ۲۵)¹.

دشوازه‌ها: دشوازه‌های زنانه موجود در این اثر در گروه عبارتهای غیرتابو

دسته‌بندی می‌شوند؛ اما با این حال در موقعیت‌های ویژه‌ای تابو تلقی می‌شوند:

«کار تو شستن شاش و گه (همان: ۷۶)، مرده شور این خانه را ببرد (همان: ۱۰۷)، بدعق (همان: ۶۶)، پیری طاس کورمکوری (همان: ۹)، لوس (همان: ۳۳)، ذلیل مرده، دست‌وپا چلفتی (همان: ۵۵)، عجوزه زشت» (همان: ۵۰)².

تحلیل در سطح جملات

جمله‌های کوتاه، ساده، خبری، با جزئیات: داستان پرنده من از همان ابتدا با جمله‌های ساده و خبری و با جزئیات فراوان شروع شده و تا پایان با همین سبک ادامه پیدا می‌کند:

«اینجا چین کمونیست است (همان: ۷)؛ آشپزخانه از حالا شب است، هال عصر است؛ اتاق خواب روز (همان: ۱۱)، همه زنده‌اند، راه می‌روند، حرف می‌زنند، می‌خندند (همان: ۹۵). روزها آواز می‌خواند، خرید می‌کند، انگلیسی حرف می‌زند؛ نامه می‌نویسد» (همان: ۱۱۶)، الی آخر...

وجه عاطفی کلام: وجوه عاطفی این اثر نشان‌دهنده ذهنیتی زنانه است؛ کنایه‌ها، تشبیهات، استعاره‌ها، تمناها، تخیل‌ها و رؤیاها با اصطلاحات و کلماتی که مختص موقعیت زنانه است، بیان شده‌اند:

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۳۹، ۴۸، ۵۱، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۴، ۶۶، ۷۶، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰.

۲. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۱۸، ۶۶، ۳۱، ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۷، ۶۲، ۶۶...

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده من، از شیطان آموخت و... - ۱۶۱
«مغزم مثل آبکشی با سوراخ‌های گشاد شده است (همان: ۱۰۵)؛ حنای بعدِ عروسی
به چه کار می‌آید (همان: ۱۳)؛ مثل جنینی که در دور تند کامل شود رشد می‌کنم (همان:
۱۲)؛ احساس تنهایی مثل هوویی فاصله بین من و امیر را پر کرده است» (همان: ۱۶) و
الی آخر.

حذف جمله‌ها و جمله‌های منقطع: از مشخص‌های برجسته و پربسامد این اثر
ارائه جملات بدون فعل است؛ همچنین گاه در ابتدا، میانه و انتهای جملات از نشانه‌های
فرازبانی مانند سه نقطه (...) برای نشان دادن سکوت و مکث به کار رفته است:
«با بغلی پر از میوه (همان: ۱۷)، خانه‌ات آباد (همان: ۳۸)، بی‌شیله‌پيله (همان: ۴۰)،
به خاطر توداری‌ام... (همان: ۲۶)، با پیراهنش، ساعت مچی‌اش، با موهایش (همان: ۴۶)،
خیلی حرف می‌زد، زیادی هم (همان: ۲۷)، معمولاً کم حرف و افسرده (همان: ۴۱)،
آن وقت این زن احمقش... (همان: ۴۱)، عاشق یک زن موطلاپی (همان: ۵۳)، اتاق خواب
مرتب است، تخت و آینه و کمد (همان: ۱۰۶) و بی‌خودی... (همان: ۷۹)»^۱.

تحلیل در سطح گفتمان

علیه مردسالاری: این داستان با استفاده از زاویه درونی زندگی زن خانه‌داری را
روایت می‌کند که مسیر پیش‌رونده تغییرات خطی و کامیابی را دنبال نمی‌کند؛ بلکه
زندگی او تکراری، دوره‌ای و ایستا است. گذشته راوی مدام در ذهنش تداعی می‌شود؛
گذشته‌ای که به زیرزمین تاریک و پستوهای پیچ‌درپیچ منتهی می‌شود. وقتی بزرگ‌تر
می‌شود ازدواج می‌کند در آنجا نیز محصور در خانه و تحت تملک مرد قرار می‌گیرد.
زن در گفتگوهای درونی‌اش بیان می‌کند که بین دیوارها محاصره شده و به شدت
تنهاست و تنهایی‌اش از جنس بی‌کسی است و انگار همه او را در اینجا جا گذاشته‌اند
(وفی، ۱۳۹۶: ۱۱). اغلب شخصیت‌های داستان زن هستند؛ مادر، خواهر، زن همسایه، زن
همکار و... اساساً متن متمرکز بر زندگی زنان است و مردان دارای نقش‌ها و کنش‌های

۱. همچنین نک: ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۶، ۹۵، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۳۴،

منفی هستند. در این داستان روابط زن و شوهر با بحران شدید رو به روست و آموزه فرادستی یک سویه مرد اساس زندگی مشترکشان است. تجربه قهرمان زن در این رمان از همان آغاز در پیوند با مسئله قدرت گفتمان مردانه شکل گرفته است. موقعیت زن در این داستان بر این دلالت دارد که گفتمان قدرت مردسالاری در جامعه و خانواده، در ساختن شخصیت و هویت زنان به مثابه جنس دوم و جنسیت فرودست، نقش بسزایی دارد. رمان پرنده من با ارائه تصاویر جنسیتی از زنان و مردان سعی در نشان دادن روند ویرانگر تقابل‌های جنسیتی در جامعه اقتدارگرا دارد؛ تقابل‌هایی که بر نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دلالت دارد. در این داستان قدرت به طور خودکار در اصطلاحات دوگانه قرائت می‌شود: افرادی که آن را دارند و افرادی که آن را ندارند. راوی نشان می‌دهد که مقوله مردانگی با چه تنوعی از معنا و چه تحولی از ساختار مواجه است. زن داستان از دیدگاه نقش بینافردی در این اثر با گذشته خود وارد پرسش می‌شود و سعی در بازشناسی مردانگی و اقتدار مطلق آن ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های جنسیتی که این اقتدار در پی داشته است، دارد. مردان به طور کلی در این متن عیاش، سرشار از خشونت، زورگو، بی‌منطق و بی‌احساس همراه با غریزه اقتدارگرایی و تملک توصیف می‌شوند؛ کسی که دارای آزادی‌های جنسی است و هرگز برای آزادی‌ها و انحرافاتش تنبیه نمی‌شود. در این رابطه راوی از هرگونه همدلی با جنسیت مردانه پرهیز می‌کند؛ اگرچه ظواهر زندگی‌های زنان در همدلی با شوهرانشان سپری می‌شود، آنچه در ذهنیت زنانه جریان دارد، چیز دیگری است. او در ذهن خود بی‌توجهی‌های مرد را با عناد و خیانت به همسرش جبران می‌کند. مرد از اینکه نفس مسلط، برتر و موجود اصلی باشد، لذت می‌برد و از اینکه زن را واقعاً برابر با خود در نظر بگیرد، استنکاف می‌ورزد و زن نیز در روایت‌های خود با توصیفات، توجیحات و رفتارهای تهاجمی به بی‌اعتمادی و اقتدار مرد پاسخ می‌دهد. راوی در روایت‌های ذهنی خود مرد را همچون دیو/غولی توصیف می‌کند که باعث هراس اطرافیان است. او همچون بیگانه‌ای در خانه است؛ موجودی

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۶۳
ترسناک که باعث هراس، وحشت و تنفر زن و بچه‌ها است. مرد برای او موجودی غریبه
است و غایب و صورت خسته و عبوسش برای او هرروز ناآشنا تر و بیگانه تر می‌شود. زن
به این ترتیب مرد را از دنیای خویش بیرون کرده و از جزیره‌ی خاص زنانه‌اش به درمی‌کند.

از شیطان آموخت و سوزاند: فرخنده آقایی

تحلیل در سطح واژه‌ها

موقعیت‌های زنانه و فیزیولوژی تنانه: در این داستان کلماتی مانند مادر بودن،
مادرانگی، شوهر داشتن، هوو، طلاق، کلفتی، تجاوز، خودآرایی و مشتقات آن و... که
با موقعیت‌های زنانه تطابق دارد، دارای بسامد بسیار زیادی است؛ راوی خود زنی است
که طلاق گرفته، مادر است و بارها موقعیت تلخ تجاوز را نیز تجربه کرده است:

«در ادرارم خون می‌بینم (همان: ۷)؛ سرایدار کلیسا پس از درگیری به من تجاوز
کرد... (همان: ۲۲۹)؛ بی‌پول، تجاوزشده و سرگردان (همان: ۲۳۰)؛ رایگان و به‌زور به
من تجاوز شد (همان: ۲۳۷)؛ باز در ادرارم خون دیدم (همان: ۷۰)؛ همیشه آرایش
می‌کردم. رژلب، خط لب، خط چشم، ریمل، سایه (همان: ۲۳)؛ این هم آخر و عاقبت
من به‌عنوان کلفت» (همان: ۳۲)^۱.

واژه‌های مربوط به خانه، خانه‌داری و آشپزی: در تمام صفحات این رمان

کلماتی که به خانه، آشپزخانه، آشپزی، دستورات غذا، نام انواع غذاها و نوشیدنی‌ها،
مهارت‌های مرتبط با سفره‌آرایی و... اشاره دارد، دیده می‌شود:

«امروز ناهار لویی‌اچیتی پختم (همان: ۱۹)؛ تزئین هندوانه با مدل طاووس و کرم
کارامل را آموزش دادند (همان: ۳۰)؛ برای شام نان و تخم‌مرغ دارم (همان: ۶۳)؛ یک

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۷، ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۲،

۵۰، ۵۱، ۵۵، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۶۸، ۱۶۲، ۱۵۸، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۰، ...

سرویس تفلون، چند سینی و مقداری کاسه دردار پیرکس خریده‌ام (همان: ۳۱۰)؛ چند جور سالاد و دسر و موز و ژله میوه درست کرده بودم...» (همان: ۳۰۸).^۱
به تقریب در اغلب صفحات این اثر نام انواع غذاها، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها ذکر شده و پس از آن کلمه خانه بیش‌ترین بسامد را داراست.

دشوآژه‌ها: دشوآژه‌های مورد استفاده در این اثر اغلب برای بیان عصبانیت، شکست و ناکامی‌های زن داستان است؛ دشوآژه‌های مخصوص زنانه در این اثر بیشتر مربوط به حوزه جنسی، جسمی و هویتی است:

«مرا هم مثل خودش خراب می‌داند (همان: ۲۰۹)؛ زن کثیف (همان: ۲۰۹)، فاحشه (همان: ۲۷۹)، خوشگله^۲ (همان: ۲۰۰)، زشت و اکیری (همان: ۱۹۹)، زنکه نفهم (همان: ۱۸)، زنیکه (همان: ۳۴)، پیرزن خرفت (همان: ۱۲۹)، عجزه جادوگر (همان: ۲۰۲)، مونگول (همان: ۳۴۹)، افاده‌ها طبق طبق (همان: ۴۲)، تف به این زندگی (همان: ۲۰۶)، تف به وجدان کثیف رافیک (همان: ۲۵۳).^۳

تحلیل در سطح جملات

جمله‌های کوتاه، ساده، خبری، با جزئیات: با توجه به اینکه داستان به صورت روزنگاشت نوشته شده است، خواننده از همان ابتدا با جمله‌های کوتاه، خبری، ساده، بدون پیچیدگی و اغلب با توصیفات و جزئیات روبه‌روست:

«امروز عید انگور بود. به کلیسای سرکیس مقدس رفتم. بعد از مراسم دو بسته انگور گرفتم. یک بسته را برای آنیا بردم (همان: ۷)؛ هلال ماه نو را دیده‌اند. امروز عید فطر

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۸۶، ۸۹، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۰۹، ...

۲. در معنای روسپی

۳. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۳۰۱، ۲۹۲، ۲۸۹، ۲۷۹، ۲۰۱، ۲۲۹، ۲۲۵، ۲۰۲، ...

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۶۵
اعلام شد. همه‌جا تعطیل است (همان: ۶۷)؛ مرا به اتاق نیمه‌تاریکی برد که همه وسایل
آن کهنه بود. چهارگوشه سقف از آب باران زرد شده بود و طبله کرده بود. تارهای
عنکبوت از هر طرف آویزان بود. یک تابلوی بزرگ رنگ و روغن خاک گرفته بالای
اتاق قرار داشت. زن زیبا و جوانی بود. در لباس سرخ بلند که روی صندلی نشسته بود.
دسته گل کوچک سفید در دست داشت...» (همان: ۳۹) و الی آخر.

وجه عاطفی کلام: وجوه عاطفی در این اثر اغلب شامل دعا و نیایش قهرمان
داستان است که با توسل به تشبیهات و استعاره‌های خاص خود را موجود ناتوانی می‌داند
که نیازمند کمک است. این مسئله در اغلب بخش‌های داستان تکرار شده است. البته
گاه جملاتی که نشان‌دهنده اعتقادات خرافی راوی است نیز در آن دیده می‌شود که در
میان زنان شایع‌تر است:

«امیدوارم سال خرگوش برایم آمد داشته باشد (همان: ۸۳)؛ خدایا مرا در پناه صلیب
چالز و گستاف نگه‌دار (همان: ۲۰)؛ خدایا کی می‌توانم نجات پیدا کنم؟ ای فدایی
بزرگ (همان: ۲۵۵)؛ به تثلیث تو تعظیم می‌کنم، من چون پرنده کوچکی هستم» (همان:
۲۱۳).

حذف جمله‌ها و جمله‌های منقطع: در تمام صفحات رمان جمله‌های منقطع

همراه با حذف بخشی از کلمات از جمله فعل، دیده می‌شود؛ به‌ویژه در بخش‌هایی که
مربوط به خریدهای روزانه قهرمان داستان است. درواقع اغلب این جملات بدون فعل
ادا شده‌اند. این شیوه تقریباً در تمام صفحات داستان دیده می‌شود:

«بی‌کس، اسیر و بی‌پناه...» (همان: ۲۹)، چه روزهای بدی، چه آدم‌های کثیفی...
(همان: ۷۱)، یک‌خانه قدیمی‌ساز آجری در میدان ۲۵ شهریور (همان: ۳۹)، قرض از
بوفه برای یک فلاسک چای (همان: ۷۵)، کرایه ۲۰۰ تومان، ساندویچ کالباس و نوشابه
۴۰۰ تومان (همان: ۳۹)، ناهار سه سیخ جیگر ۲۱۰ تومان (همان: ۴۴)، سمبوسه ۲۰۰
تومان، کرایه ۱۲۰ تومن (همان: ۶۵)، ناهار و شام آش رشته و کتلت» (همان: ۲۶۶) و
الی آخر.

تحلیل در سطح گفتمان

علیه مردسالاری: داستانی که به صورت گزارش روزانه تدوین شده، حول محور شخصیت و زندگی زنانه شکل گرفته است و این موضوع جنبه رئالیستی داستان را تقویت می‌کند. در اولین بندهای داستان، راوی زن در مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده قرار می‌گیرد. روایت‌های ابتدایی داستان تنهایی و بی‌خانمانی زن مطلقه‌تردشده و سرگردان را به خوبی نشان می‌دهند. رابطه مردان و زنان در داستان بر پایه دادوستد جنسی است. مردان، به جز تعداد اندکی، کنشگرانی منفی هستند که از زنان سوءاستفاده جنسی می‌کنند. قهرمان زن در سراسر رمان به عنوان شخصیتی نشان داده می‌شود که به شیوه خود به مبارزه با شرایط ناخواسته و یا تحمیل شده در جامعه مردسالار می‌پردازد. او بر این باور است که جامعه ابعاد وجودی او را به عنوان یک زن کوچک کرده است. او سعی دارد نشان دهد زنان این جامعه همه به نوعی تنها و مظلوم و سرگردانند و اجتماعی از زنان بی‌پناه، ماتم گرفته و مستأصل شکل گرفته است. در این رمان راوی با آفریدن فضای تازه گفتمانی، نگرش حاکم و قاعده بنیادین به نقش و جنسیت زن و مرد را به چالش می‌کشد و برای به دست آوردن زندگی فردی مستقل، سنت شکنی می‌کند. او مشارکت‌های اجتماعی فعالی دارد و برای التیام شکاف‌های ایجادشده در زندگی‌اش برنامه‌هایی هویت‌ساز و مدرن را دنبال می‌کند. نویسنده نشان می‌دهد تمام زنان در جامعه بار جنسیت فرودست بودن را به دوش می‌کشند؛ زیرا با درونی‌سازی گفتمان‌های غالب با کمترین مقاومت، آن چیزی می‌شوند که رژیم‌های جنسیت‌ساز از پیش تعیین کرده‌اند. قهرمان زن در این رمان طغیانگری است که طغیانش بر ضد ایدئولوژی و قدرت مردسالار رایج اجتماعی است؛ اگرچه در موارد متعدد با واکنش‌های تلخی از طرف زنان و مردان جامعه مواجه می‌شود. در این رمان راوی با آفریدن فضای تازه گفتمانی، نگرش حاکم و قاعده بنیادین به نقش و جنسیت زن را به چالش می‌کشد. در جامعه‌ای که راوی آن را توصیف می‌کند، استقلال و قدرت، خاص مردان است و زنی که چنین

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرندۀ من، از شیطان آموخت و... - ۱۶۷

جایگاهی را بجوید، صفتی جز سلیطه و نابهنجار نخواهد یافت؛ اما متن به روشن‌ترین وجه نشان می‌دهد که زن با تحمل سختی و مبارزۀ فردی خود تلاش می‌کند تا به فردیت و هویت خود، فارغ از مسئله جنسیت، به‌عنوان انسانی دارای اندیشه، رسمیت ببخشد. از مهم‌ترین عوامل ایجاد زبان و صدای زنانه در داستان، گفتگوهای درونی راوی است که در جهت بازاندیشی مفاهیم جاری زندگی او تبیین می‌شود. در واقع، در این رمان زنانگی به بیان خویش پرداخته و خود را به‌مثابه ارزشی انسانی، نه به‌عنوان جنس دوم، پیش می‌نهد. در واقع مسیر داستان از ابتدا تا انتها سیر تحول نقش زن را از انفعال تا شخصیتی مستقل و فاعل در عرصۀ اجتماعی نشان می‌دهد؛ راوی این امکان را پیش روی زنان می‌نهد که خود را در نقشی غیر از مادر، همسر و معشوق نیز بتوانند تصور کنند. اگرچه این داستان در پایانی باز همچنان اضطراب‌آور باقی می‌ماند، به نتایج نامحتمل و سازشکارانه نیز راه نمی‌دهد؛ زیرا به ظهور فردیت زنی مربوط می‌شود که بخشی از تعریف تازه‌ای است که از زنانگی مدرن به دست داده شده است.

سرخ‌خو تو از من: سپیده شاملو

تحلیل در سطح واژه‌ها

موقعیت‌های زنانه و فیزیولوژی تنانه: در این اثر کلماتی مانند بکارت، رحم، تجاوز، جنین، نوزاد، سقط جنین، حاملگی، نام اندام‌های زنانه و پوشاک جنسیتی از جمله روسری، مانتو و پیراهن زنانه به‌طور وسیع استفاده شده است؛ همچنین کلماتی مانند مادر، شوهر صیغه، طلاق گرفتن، عروسی، تن‌فروشی، روسپی‌گری، شب زفاف، بیوه-شدن، آرایش کردن، آرایشگاه زنانه، نام انواع لوازم آرایشی زنانه در اغلب فصل‌ها دارای بسامد بالایی هستند:

«می‌شد جنینی هم داشته باشد (همان: ۱۰)، زن‌هایی که بهشان تجاوز شده بود، جنین‌های بزرگ، جنین‌های مرده (همان: ۱۱)، یک دختر-زن هنگام سقط جنین از بین رفته بود (همان: ۴۴)، روسری را از سرش برمی‌دارد (همان: ۱۰۹)، رژلب قرمز را برمی‌دارد لبه‌اش را سرخ می‌کند (همان: ۲۳۷)، برای بار سوم خط چشم را می‌کشد. بلوز

آبی تنگی پوشیده، با دامن نخی آبی و سفید. موهاش را مرتب کرده و ریخته روی شانه‌ها» (همان: ۲۱۸)¹.

واژه‌های مربوط به خانه، خانه‌داری و آشپزی: در بخش‌های ابتدایی و میانی

این اثر نیز دل‌مشغولی‌های مرتبط با خانه، خانه‌داری، آشپزی و... دارای بسامد بالایی است:

«کابینت‌ها را دستمال نکشیده (همان: ۵)؛ می‌رود توی آشپزخانه (همان: ۶)؛ بته‌ای کاهوی پلاسیده توی یخچال مانده (همان: ۱۰)؛ دوتا تخم‌مرغ آب‌پز می‌کند (همان: ۴۰)؛ چای دم می‌کند (همان: ۷۱)؛ بادمجان‌ها پلاسیده و کرمو هستند (همان: ۷۷)؛ نوبت آزاده یعنی سوسیس، کالباس یا الویه (همان: ۸۲)؛ آشپزخانه بود با یک گاز رومیزی... و یک یخچال سفید کوتاه و پاگرد دوم توالت (همان: ۸۲)؛ کوکوسیزی را برمی‌گرداند (همان: ۱۳۴)؛ یک ظرف بلور پر از کشک بادمجان و یک ظرف بلور تخت هم پر از کتلت‌های ریز» (همان: ۲۴۹)².

دشوآژه‌ها: دشوآژه‌های استفاده‌شده در این اثر مرتبط با لحن زنانه‌اند و غالباً جنبه جنسی و گاه هویتی دارند؛ البته بعضاً انتساب نام حیوانات نیز به شخصیت‌های مردانه دیده می‌شود:

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۱۱، ۲۹، ۴۳، ۴۴، ۵۱، ۵۵، ۵۹، ۶۷، ۶۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۵۱

۲. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۸۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۷، ۲۶۸

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۶۹
«خفه شو (همان: ۸۳)، سگ پدر مادر (همان: ۶۵)، بابای بدبخت (همان: ۹۱)،
چاکش (همان: ۱۲۵)، لاشی (همان: ۱۲۶)، فاحشه (همان: ۱۲۷)، کثافت (همان: ۱۵۰)،
مرتیکه پیرسگ» (همان: ۲۰۵)!

تحلیل در سطح جملات

جمله‌های کوتاه، ساده، خبری با جزئیات: داستان با جمله‌های ساده، کوتاه و خبری آغاز می‌شود و تا انتها با همین روش ادامه پیدا می‌کند. در واقع، استفاده از جمله‌های خبری کوتاه و ساده از موارد پر کاربرد و برجسته این اثر است:
«اینجا تهران است. سه‌شنبه آخر سال است. هوا بوی دود می‌دهد. آسمان یکدست خاکستری است (همان: ۱)؛ از کیف آرایش رژلبی قرمز بیرون می‌آورد. آن را آرام روی لب‌هایش می‌کشد. کفش‌ها و لاک ناخنش هم‌رنگ رژلب است. یقه‌اش خیلی باز است. کشو را باز می‌کند...» (همان: ۸۷)؛ خودش است. با همان کت و شلوار و پیراهن. موهاش جوگندمی است، پوستی تیره دارد. نگار این پا و آن پا می‌کند. نفس بلندی می‌کشد. در ماشین را باز می‌کند. سوار می‌شود. خیابان خلوت است. هوا تمیز است...» (همان: ۱۲۱).

وجه عاطفی کلام: وجه عاطفی در این اثر اغلب ناظر به تخیلات زنانه، اعتقادات معنوی و عبارات‌های مرتبط با نذر و قسم است که بخش زیادی از داستان را در بر گرفته است. استفاده از لحن عامیانه در گفتگوها، توصیف خواب‌ها و بیان شگفتی نیز به شکل وسیع در داستان دیده می‌شود:

«یا قمر بنی‌هاشم (همان ۱۱۰)، قدمت سر چشم خانوم (همان: ۲۴)، جل‌الخالق (همان: ۷۶)، چه خواب وحشتناکی! انگار خودش را نظر زده (همان: ۲۰)، او ایستاده بالای برج روی میله آهنی و عنکبوت شده...، موش‌ها می‌دوند و او پرمنگنات بالا می‌آورد (همان: ۶۰)، جنگل بود. سیاه و مرطوب. پر از مار. او (نگار) لیز می‌خورد و

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۱۰، ۱۲، ۲۷، ۲۸، ۵۱، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۸۳، ۸۶، ۹۳، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۵،

می افتاد توی سوراخ مار (همان: ۳۹)، به به! بزرگ دون ژوان (همان: ۳۶ خیر سرشون عیده ها (همان: ۲۸)، چقدر خوشگل شدی» (همان: ۲۱۹)¹.

حذف جمله‌ها و جمله‌های منقطع: از مشخصه‌های برجسته این اثر حذف فعل

و استفاده از نشانه‌های فرازبانی، مانند سه نقطه (...). در جمله‌های نیمه تمام است: «بعد کوچه‌ای خلوت. گارسونی با لباس فراق سیاه. دستکش‌های سفید. سینی کوچولو روی دستش. روی سینی گیلای‌های شامپاین (همان: ۷)؛ نگار و یارو باهم راه می‌روند، کلبه چوبی. بخاری دیواری. هیزم. آتش. لیوان‌ها کنار بخاری (همان: ۹)؛ روبه‌روی پنجره. هیكلی زیر پتوی شیری‌رنگ. هزار و پنجاه تا لوله رنگ به رنگ (همان: ۳۰)، با پوکی استخوانی که اون داره... (همان: ۳۶)؛ خانم دکتر راحت‌ترم ولی...» (همان: ۴۵)².

تحلیل در سطح گفتمان

علیه مردسالاری: رمان سرخی تو از من داستانی است با رویکرد فمینیستی که بن‌مایه اصلی آن ناهنجاری‌های جنسی است. شخصیت‌های زن و مرد هر کدام به نوعی در گرداب ناهنجاری‌های جنسی و مشکلات جنسیتی گرفتارند. شخصیت‌های اصلی داستان همگی زن هستند و نویسنده به توصیف احوال و حوادث زندگی سه شخصیت زنانه یعنی نگار، فرزانه و لیلا می‌پردازد. در بررسی کردار روزمره شخصیت‌ها و اجراگری‌های روزمره زنان، که در اصل توجه به همان وجهه اجرایی فرهنگ زنانگی است، می‌توان به شکل‌گیری زنانگی، زن شدن و درک زنانگی پی‌برد. دو تن از

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۶۰، ۶۳، ۶۹، ۷۶، ۸۹، ۹۷، ۱۷۱، ۱۸۳،

۲۰۹

۲. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۴۷، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۵، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۷،

۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۶۴

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۷۱

شخصیت‌های اصلی داستان درگیر تعدی و تجاوز جنسی از طریق محارم (پدر) بوده‌اند. شخصیت فرزانه که در ابتدای داستان خودکشی می‌کند، از جمله دخترانی است که در کودکی مورد آزار و تجاوز پدر قرار گرفته است؛ نگار نیز در نوجوانی توسط پدر بارها مورد آزار و تجاوز جنسی قرار گرفته است، اما هر دو شخصیت براساس اصل نظارت و بدن در جامعه و تابو بودن دادخواهی زنان در این امر، مسئله را پنهان کرده و براساس جامعه‌پذیری جنسیتی حق دادخواهی را از خود سلب کرده‌اند؛ مهر سکوت بر لبان خود زده و آن را چنان داغی پنهان داشته‌اند. این مسئله نشان از نوعی جنسیت‌پردازی دارد؛ زیرا به دختران آموزش داده شده است که اگر تجاوزی صورت گیرد یا مورد خشونت جنسی قرار بگیرند، به این دلیل است که حرکاتشان به اندازه کافی محدود و کنترل شده نبوده است. این آموزه خشونت و تجاوزی را که بر بدن زن اعمال می‌شود غیرقابل دفاع می‌کند بر این اساس زنان بدنشان را به خاطر همه خطرات احتمالی مقصر می‌دانند؛ همچون هزاران زنی که با روشی معین تربیت شده‌اند. در اینجا نیز حادثه‌ای رخ داده است که درباره آن چیزی گفته یا شنیده نمی‌شود؛ زیرا زنان نیاموخته‌اند که در برابر ترس بایستند و بر آن چیره شوند. آنان را تشویق کرده‌اند در برابر هر آنچه آن‌ها را می‌ترساند واپس بنشینند؛ چنان‌که قهرمان اصلی داستان (نگار) برای رهایی از داوری‌های مردانه چندین بار دست به خودکشی می‌زند. شخصیت دیگر داستان دختری به نام فرزانه نیز به سبب آسیب‌های روانی ناشی از تجاوز خودکشی می‌کند که نشان‌دهنده آن است که زنان بیش از اینکه از مرگ بترسند، از قدرتی می‌هراسند که نظارت کامل بر بدن آنان دارد. در این داستان علاوه بر مشکلات جسمی و روانی تجاوز، مسئله باکرگی نیز مطرح است. باکرگی حق مالکیت مرد بر بدن زنانه و مسئله‌ای اخلاقی است؛ بنابراین اگر زنی به هر طریقی باکرگی خود را قبل از ازدواج، ولو از طریق تجاوز، از دست بدهد از نظر جامعه پیشاپیش رانده شده است. این در صورتی است که قدرت مردانه با فتوحات جنسی فراوان ارزیابی می‌شود؛ چنان‌که در رمان نیز اشاره می‌شود. همسر لیلا «بزرگ دون ژوان» خطاب می‌شود که آشکارا تقسیم‌بندی سلسله مراتبی میان دو جنس و

قدرتمندی و آزادی اجتماعی یکی از طرفین را یادآوری می‌کند. مردان در داستان دارای کنش منفی هستند و به‌جز در موارد اندک، غالباً خیانت‌کار، متجاوز و بی‌مسئولیت توصیف شده‌اند. روابط زن و شوهر آشفته است و زندگی‌های زناشویی آلوده به خیانت است و هیچ عشق و علاقه در زندگی زن و شوهرها دیده نمی‌شود. این مسئله از ابتدای داستان به‌صورت مبسوط نشان داده می‌شود. از طرف دیگر مردان در این داستان در مراتب میانی زندگی و برای حرفه و ایده‌های بزرگ‌تری آماده می‌شوند و مطابق با جوامع مردسالار ازدواج سیمای برجسته‌ای در زندگی‌شان نیست؛ درحالی‌که زنان برعکس آنان، به‌جز ازدواج هیچ برنامه دیگری برای زندگی و تقویت استعدادهای خود ندارند یا کمتر به این امور فکر می‌کنند. در زنجیره تداومی معانی این متن، نویسنده این ایده را بیان می‌کند که معیارهای تعیین‌کننده در رابطه با جنسیت نه محصول نهایی نسبتاً ثابت و بیولوژیکی؛ بلکه یک محصول تشکیل‌شده از طریق شیوه‌های مختلف گفتمانی است که به تدریج و در طول زمان بازسازی شده‌اند. در این راستا تلاش‌های نویسنده از آن دست تلاش‌هایی است که برای بی‌اثر کردن بار فرهنگی جنسیت‌گرایی و سرکوب جنسیت زنانه صورت می‌گیرد.

بی‌بی شهرزاد: شیوا ارسطویی

تحلیل در سطح واژه‌ها

موقعیت‌های زنانه و فیزیولوژی تنانه: در این اثر نیز کلماتی که مستقیماً به جسم و وضعیت‌های فیزیولوژیکی زنانه اشاره دارد، دارای بسامد زیادی است؛ ازجمله رحم، حاملگی، زایمان، جنین، سقط جنین، نطفه، اندام‌های خصوصی زنانه و کلماتی که به پوشاک زنانه همچون سینه‌بند، روسری، مانتو و... اشاره دارد و همچنین کلماتی مانند مادر، زن، شوهر، بچه، نوزاد، آرایش کردن، آمیزش جنسی و... که به موقعیت زنانه اشاره می‌کند:

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و... - ۱۷۳

«ران‌های چاق که از چاقی ترک‌خورده (همان: ۴۴)، با آن کفش‌های پاشنه‌بلند و مانتوی بلند (همان: ۲۸)، کمر خیلی باریکش بالای آن سرین خیلی بزرگ (همان: ۱۲۷)، تک موی زردی که از روسری سیاهش افتاده بود بیرون (همان: ۱۶۲)، جنین بلا تکلیف در رحم مریم (همان: ۲۷۹)، از وسط سینه‌های بزرگش که لباس توری سیاه به سفیدی می‌زد... (همان: ۱۶۴)، بچه‌دار شدن زوده، بعداً بچه‌دار می‌شیم، راضیش کن بچه رو از بین ببره (همان: ۲۸۵)، از کجا معلوم شوهر دارین؟ آگه یه وقت شوهری پیدا بشه؟ آگه شوهر داشتم (همان: ۱۹)، یک ماه بعد از زایمانش نوزادش را زده زیر بغلش (همان: ۷۸)، یکریز از جنس زن حرف می‌زد» (همان: ۱۱۶)¹.

در این اثر بسامد کلمه زن و جنین از کلمات دیگر بیشتر است.

واژه‌های مربوط به خانه، خانه‌داری و آشپزی: در این بخش کلماتی مانند خانه، حمام، آشپزخانه، نام انواع غذاها، وعده‌های غذایی و نام ظروف آشپزخانه دارای بسامد بالایی است:

«بوی کتلت و سیب‌زمینی سرخ کرده می‌زد بیرون (همان: ۳۳)، بیاید خانه من، چه وقت آمده خانه، خانه تنهاست (همان: ۱۰۹)، سیب‌زمینی‌ها را هم سرخ کرده بود (همان: ۳۷)، باید نصف کتلت‌ها را می‌پیچید در کاغذ فریزر (همان: ۴۸)، بوی تند سیر و نعنای داغ و زعفران روی آش (همان: ۲۷۳)، رفتم آشپزخانه زیر کتری را روشن کردم» (همان: ۲۷۷)².

دشوآه‌ها: در این اثر دشوآه‌های استفاده‌شده توسط زنان غالباً معنای جنسی دارد، اگرچه گاه به شعور شخصیت‌های دیگر نیز توهین می‌شود، در این میان انتساب نام

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک: ۹، ۱۱، ۱۵، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۴، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ...

۲. نمونه‌های بیشتر نک: ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۹۳، ۱۰۸، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۹

حیوانات نیز کمابیش دیده می‌شود. برخی از دشواژه‌ها نیز مستقیماً شخصیت و هویت اجتماعی و زندگی جنسی مردان را هدف قرار می‌دهد:

«زن باره (همان: ۱۰۱)، نشمه (همان: ۱۴۳)، خفه شو (همان: ۲۳۲)، هر و بر (همان: ۱۴۳)، بی‌همه چیز (همان: ۱۴۷۹)، گور باباش (همان: ۱۴۸)، کور و چلاق (همان: ۱۵۰)، به قبر پدرت (همان: ۱۵۳)، پتیاره خانم (همان: ۱۵۷)، عین سگ وحشی (همان: ۱۵۸)، خل شدی؟! (همان: ۳۱۸)، دختره لکاته» (همان: ۳۳۲).

تحلیل در سطح جملات

جمله‌های کوتاه، ساده، خبری با جزئیات: در این اثر تکرار جملات خبری، کوتاه و توصیفی و البته احساسی بسیار استفاده شده است و البته جزئی‌نگری نیز در مرتبه بعد قرار دارد:

«علی با یک پاکت بزرگ رسید. فکر این بودم که توی پاکت چیست. می‌خواستم بپرسم که در اتاق گلی باز شد. چتر زلف آشفته نمی‌گذاشت دیده شود. برق می‌زد. سرش را گرفته بود بالا. قوز نکرده و بلند. وسط تابلوها، گل‌ها و نورهای آباژور راه می‌رفت... (همان: ۶۴)، صدای اذان می‌آمد. مردی هم از دور روضه می‌خواند. رفتم طرف صدا. رسیدم وسط گورستان. سر قبر مادر مریم صدای کلاغ می‌آمد. روی سنگ قبر تمیز و خیس بود...» (همان: ۲۴۶).

وجه عاطفی کلام: در این اثر شبه جمله‌های عاطفی مانند «یا فاطمه زهرا! (همان: ۱۷۷)، الهی قربونش برم! (همان: ۱۹۸)، الهی بمیرم! (همان: ۱۹۹)، تو رو به فاطمه زهرا! (همان: ۲۸۰)، دارای بسامد بالایی است. یک فصل کامل از داستان نیز از زبان جنینی نقل می‌شود که در شکم یکی از شخصیت‌های داستان است که کاملاً جنبه عاطفی و انتزاعی دارد و گاه نیز کل یک فصل از داستان به خواب یک شخصیت اشاره می‌کند مانند فصل ۱۴ و فصل ۲۲: «به خواب من خوش آمدی!» (همان: ۲۳۰)، بیدارم؟ نه مثل

آن تغییر کرده است. در این داستان میان نام شخصیت‌ها و کنش آن‌ها و همچنین نام کتاب ارتباطی مستقیم وجود دارد. شهرزاد در ادبیات کلاسیک نام زنی است که برای شهریار قصه می‌گوید. با توجه به اینکه شهریار پسر از پی‌بردن به خیانت همسر خود، تصمیم به انتقام می‌گیرد و تا سه سال هر شب بعد از ازدواج با دختری باکره، او را حوالی صبح به قتل می‌رساند. شهرزاد در واکنش به این کنش شاه، با او ازدواج می‌کند و معنای نشانه‌ای به خود می‌گیرد، به گونه‌ای که در واکنش به کنش شاه، قصه‌گویی را برای نجات جان خود و دیگر زنان پیشه می‌کند تا در نهایت زنده بماند. شهرزاد در ادبیات نوین به‌نوعی یکی از نمادهای زن فمینیست در دنیای ادبیات محسوب می‌شود. راوی نیز که خود اندیشه‌های فمینیستی دارد، معتقد است زن نباید زیر سلطه قدرت مردسالاری قرار گیرد. نویسنده بر آن است که نشان دهد نگاه جامعه و مردان به جنسیت زنان مانند قصه شهرزاد و شهریار است که در آن شاه مظهر قدرت مردسالارانه است که زنان را در حصار نگاه می‌دارد و سرکوب می‌کند و زن برای نجات خود همچون شهرزاد باید قصه‌گوی دردهای خود باشد. ایده اصلی نویسنده از تاریخی کردن تصویر زن از طریق شهرزاد پرداختن به دوران فرهنگی و تمدنی همه‌جانبه و نیز فهم دوباره تاریخ و گفتمانی است که سعی در سرکوب جنسیت زنانه دارد. نویسنده در داستان الگویی همچون شهرزاد را در ذهن خویش می‌پرورد و به آن دل‌بسته است؛ زیرا هر زنی از دید نویسنده، شهرزاد است. در واقع، شهرزاد مظهر زنانگی است. مظهر همه غم‌ها، رنج‌ها و نادیده انگاشته شدن‌ها که در طول تاریخ بر زنان تحمیل و نسل به نسل به تمام زنان منتقل شده است. در رگ تمام زنان داستان خون شهرزاد جریان دارد؛ گلی، شهرزاد، مریم و سایر زنان در داستان و در دنیای واقعی همه زنان، نوادگان بی‌بی شهرزاد هستند. تا زمانی که جهان واقعیت از نظر مردانه تعریف می‌شود زنان باید جهان را ساختارشکنی کنند و دوباره بسازند. این مسئله فقط از طریق یک تلاش جمعی بازنگرانه صورت می‌پذیرد. داستان نوعی نارضایتی مطلقاً جنسیتی را بیان می‌کند که قدرت

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده من، از شیطان آموخت و... - ۱۷۷

تاریخی جریان مردسالار عامل آن است و آشکارا رنجی روحی را نشان می‌دهد که حاصل جنسیت‌پردازی در جامعه است و همچنین بر تله‌زنانگی (دیگر بودگی) تأکید می‌کند که اگر کسی دچار آن شود، هیچ خلاصی از آن نیست. در ایده اصلی داستان چیزی از مبارزه‌طلبی و تلاش برای بقای نوع و بقای جسدی و دلالتی جنس مؤنث وجود دارد. متنی که ریشه در عمق زبانی و اسطوره‌ای دارد. این داستان دربرگیرنده گفتمان دفاعی زنانه‌ای است که به پاسداری از زن و حریم شخصی او می‌پردازد و با جمع کردن همه زنان در یک زن به نام شهرزاد در جهت یکی کردن وجود تک‌تک زنان گام برمی‌دارد. بدین ترتیب ایده متن این است که تجمع همه زنان در یک زن (شهرزاد)، از آن‌ها قدرت دلالتی نافذی می‌سازد که آنان را از سیطره قدرت شهریار/ مرد رها می‌سازد. رهایی شهرزاد در واقع، نمادی است از رهایی جنس مؤنث؛ چراکه همگی آن‌ها یکی هستند. راوی داستان بر فضایی که جنسیت زنانه به واسطه فرهنگ در آن قرار گرفته است متمرکز است. در این داستان جنس به منزله داده‌ای بی‌واسطه، محسوس و فیزیکی متعلق به نظامی طبیعی پنداشته می‌شود؛ اما جنسیت امری گفتمانی در نظر گرفته می‌شود و بر این نکته تأکید دارد که جنسیت تفسیر سیاسی و فرهنگی بدن است. متن بر این نکته تأکید دارد که زنان با نفی اخلاق قربانی شدن توسط کلیشه‌های جنسیتی می‌توانند به روش‌های جدیدی از بودن فراسوی ابعاد محدود جنسیتی رهنمون شوند.

نتیجه‌گیری

نتایجی که از این پژوهش می‌توان گرفت به این شرح است:

در سطح واژگان در همه رمان‌های بررسی شده از تعابیر زنانه از جمله واژه‌های متعلق به حوزه زنان مانند دل‌مشغولی‌های مرتبط با خانه، خانه‌داری، آشپزی، پوشاک زنانه و موقعیت‌هایی مانند مادر شدن، مفهوم مادرانگی، شوهر داشتن، هوو داشتن و... به صورت گسترده استفاده شده است؛ به طوری که کماکان در اغلب صفحات و فصل‌های مختلف رمان‌های مذکور این واژگان دیده می‌شوند. از دیگر واژه‌هایی که به صورت وسیع در تمام آثار مذکور مشاهده می‌شود، واژه‌های مرتبط با موقعیت و فیزیولوژی زنانه، مانند

حاملگی، ویار، باکره بودن، زایمان، تهوع، بیماری‌های اندام تناسلی زنانه، تجاوز، سقط جنین و واژه‌های مرتبط با خودآرایی و لوازم آرایش زنانه است که دارای بسامد بالایی در هر چهار اثر است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان در برخی موقعیت‌ها از دشواژه‌ها و عبارت‌های خاص که مختص موقعیت و لحن زنانه است استفاده می‌کنند. ذکر این نکته ضروری است که تمام واژگان مورد بررسی کاملاً هویت زنانه نویسندگان و راوی داستان‌ها را از بعد فردی اجتماعی، ایدئولوژیکی، طبقه، جنسیت و توجه زنان به محیط خانه و جامعه را نشان می‌دهند. در سطح جملات (نحو) به ترتیب جمله‌های کوتاه، ساده، خبری با جزئیات فراوان، ابعاد عاطفی متن و حذف فعل در جمله‌ها و جمله‌های منقطع در چهار رمان بررسی شد، در این سطح استفاده از جمله‌های خبری کوتاه، تکراری و توصیفی بدون پیچیدگی‌های ادبی و بلاغی همراه با جزئی‌نگری دارای بسامد بالایی در هر چهار اثر است. در واقع به نظر می‌رسد زنان به‌طور کلی بیشتر به توصیف و چگونگی بیان خبر اهمیت می‌دهند و سعی دارند هر موضوعی را در قالب جملات کوتاه به‌صورت جزء جزء توصیف کنند. جمله‌های بریده‌بریده، ناتمام و منقطع همراه با حذف فعل در آثار مورد بررسی دارای بسامد بالایی است. همچنین زنان نویسنده از تردید‌نماها و عدم قطعیت در کلام خود بیشتر استفاده می‌کنند. در اغلب آثار مورد بررسی جمله‌های منقطع همراه با حذف فعل با استفاده از نشانه‌های فرازبانی مانند سه نقطه (...) و خط تیره (ـ) نگاشته شده‌اند که در این میان بسامد نشانه نگارشی سه نقطه در هر چهار اثر بیشتر است. در سطح گفتمان نیز با توجه به الگوی ارائه‌شده سارا میلز می‌توان گفت که تمام آثار مذکور ضمن برخورد با کلیشه‌های جنسیتی در جامعه، سعی در به چالش کشیدن فرهنگ مردانه و تاریخ طولانی مردسالاری دارند. در همه آثار مورد بررسی فضا، موقعیت و صحنه‌پردازی‌ها کاملاً زنانه‌اند. به‌لحاظ موضوعی و بحث گفتمانی، هر چهار رمان حول محور زندگی زنان و مرتبط با مسائل، مشکلات و ستم‌هایی است که در جامعه و خانواده به زنان می‌شود.

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده من، از شیطان آموخت و... - ۱۷۹

شخصیت‌های اصلی تمام رمان‌ها زن هستند. مردان در حاشیه‌اند و چندان اجازه سخن گفتن ندارند. روابط زنان و مردان از هم گسیخته، آشفته و دچار بحران‌های جدی است. در آثار مذکور بیشتر بر روزمرگی و ملال‌انگیزی زندگی زنان تأکید شده است؛ به طوری که بیان می‌شود، زنان محکوم به زندگی‌های عقیم و تکراری‌اند و محور اصلی این تأکیدها نیز بر محرومیت زنان و حقوق نابرابر آنان در جامعه مردسالار است. زنانی که زندگی‌شان در جامعه مردسالار مسیر پیش‌رونده تغییرات خطی و کامیابی را دنبال نمی‌کند، بلکه زندگی‌شان تکراری، دوره‌ای و ایستا، سیزیفی^۱، خسته‌کننده، بی‌معنا، تکراری و بدون دستاورد است. با توجه به اندیشه‌های فمینیستی نویسندگان رمان‌های مذکور، این متون بر منافع زنان تأکید می‌کنند. صدای زنانه نیز در همه این آثار با انتخاب و گزینش راوی زن به ایدئولوژی و اندیشه‌های فمینیستی نویسندگان این آثار اشاره دارد. ایده نویسندگان در هر چهار رمان بر این اساس استوار شده است که آزادی یا کمال زن زمانی محقق می‌شود که زنان ابتدا در ذهن خود از قیدوبندهای جنس دوم و دیگری بودن رها شوند و به‌عنوان یک سوژه «برای خود» هستی یابند و سپس به‌عنوان سوژه‌های متعالی آینده خود را به وسیله پروژه‌های خلاق خود بسازند. در واقع، تأکید تمام متن‌ها بر این است که بت‌شکنی باید از درون شروع شود. زنان باید هرگونه هسته دیگری بودن را که درونی شده دفع و رفع کنند؛ زیرا بدون تردید این روند هم برای خود زنان و هم برای جامعه به‌عنوان یک کل، رهایی‌بخش خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت که رمان‌های مورد بحث، در این جستار همگی از الگوی مطرح سارا میلز تبعیت کرده‌اند و اغلب مشخصه‌ها و ویژگی‌های زنانه‌نویسی در این متون یافت می‌شوند.

منابع

- ارسطویی، شیوا (۱۳۸۳). بی‌بی شهرزاد. تهران: قطره (نسخه الکترونیکی فیدیبو).

۱. سیزیف قهرمانی در اساطیر یونان است که به دلیل خودبزرگ‌بینی محکوم می‌شود که سنگ بزرگی را به بالای کوه برد و قبل از رسیدن سنگ به قله شاهد غلتیدن آن به پایین کوه باشد و این روند را بی‌معنی و تمام‌نشدنی بارها و بارها تکرار کند.

- ایرمز، ام. اچ و دیگران (۱۳۹۴). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان. تهران: راهنما.
- آقایی، فرخنده (۱۳۹۸). از شیطان آموخت و سوزاند. چاپ چهارم. تهران: فقتوس.
- تانگ، زمری (۱۳۹۶). نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی. ترجمه منیره نجم عراقی. تهران: نی.
- زرافا، میشل (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی ادبیات داستانی (رمان و واقعیت اجتماعی). ترجمه نسرین پروینی. تهران: سخن.
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۹۸). تاریخ بدن در ادبیات. تهران: سخن.
- شاملو، سپیده (۱۳۹۵). سرخی توازن من. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز.
- غدامی، عبدالله (۱۳۹۵). زنان و زبان. ترجمه هدی عوده تبار. تهران: گام نو.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۸). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- لیکاف، رابین (۱۳۹۹). زبان و جایگاه زن، ترجمه مریم خدادادی و یاسر پور اسماعیل. تهران: نگاه.
- مایلز، رزالیند (۱۳۸۰). زنان و رمان. ترجمه علی آذرننگ. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- نجفی عرب، ملاحظ؛ یدالله بهمنی مطلق (۱۳۹۳). «کاربرد واژگان در رمان شازده احتجاب از منظر زبان و جنسیت. فصل‌نامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی. ۱۴۲-۱۲۱.
- وردانک، پیت (۱۳۸۹). مبانی سبک‌شناسی. ترجمه محمد غفاری. تهران: نی.
- وفی، فریا (۱۳۹۸). پرندۀ من. چاپ بیست و ششم. تهران: مرکز.
- Mills, S. (1995). *Feminist stylistics*. London: Routledge.
- Mores, Ellen (1985) *Literary Women; The Great Writers: the Great Writers*. New York: Oxford University Press.

Reference

- Abramoz, M. H., & others (2014). *Descriptive dictionary of literary terms* (S. Sabzian, Trans.). Tehran: Mashala Publications.
- Aghaei, F. (2018). *Learned from Satan and burned* (4th ed.). Tehran: P hoenix.
- Aristoui, S. (2013). *Bibi Shahrazad*. Tehran: Nash Ghatre (Fidibo electronic version).
- Fatuhi, M. (2018). *Stylology of theories, approaches, and methods*. Tehran: Sokhn.
- Likaf, R. (2020). *Language and the position of women* (M. Khodadadi & I. Yaserpour, Trans.). Tehran: Negah.

بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرندۀ من، از شیطان آموخت و... - ۱۸۱

- Madhami, A. (2015). *Women and Language* (H. O. Tabar, Trans.). Tehran: Gam Nou.
- Miles, R. (2001). *Women and Novels* (A. Azarang, Trans.). Tehran: Roshangan Publications and Women's Studies.
- Mills, S. (1995). *Feminist stylistics*. London: Routledge.
- Mores, Ellen (1985): *Literary Women; the Great Writers: the Great Writers*. New York: Oxford University Press.
- Najafi Arab, M., & Bahmani Mutlaq, Y. (2014). The use of words in the novel Shahzadeh Ehtjab from the perspective of language and gender. *Specialized Quarterly for the Analysis and Criticism of Persian Language and Literature Texts*, 11(22), 121–142.
- Shamlou, S. (2015). *Your blushing (red face) from me* (12th ed.). Tehran: Center.
- Tang, R. (2016). *Criticism and Opinion: A Comprehensive Introduction to Feminist Theories* (M. Najm Iraqi, Trans.). Tehran: Nei.
- Vafi, F. (2018). *My Bird* (26th ed.). Tehran: Center.
- Verdank, P. (2008). *Basics of Stylistics* (M. Ghafari, Trans.). Tehran: Nei.
- Zarafa, M. (2008). *Sociology of fiction (novel and social reality)* (N. Parvini, Trans.). Tehran: Sokhon.
- Zarkani, S. M. (2018). *History of the Body in Literature*. Tehran: Sokhon.
- Abramoz, M. H., & others. (2014). *Descriptive dictionary of literary terms* (S. Sabzian, Trans.). Tehran: Mashala Publications.

